

برگی از گذشته

نشسته بودم^۱ به خواندن مفاتیح. انصافاً خواندنی است! حد اقل به عنوان یک کتاب! کتابی که سالهاست زوایای گوناگونی از زندگی دوستداران اهل بیت علیهم السلام را در بر گرفته است.

کتابی که باید آن را خواند! لااقل یک بار؛ خواندن آن چیزهای زیادی را روشن می کند! مثلاً آن که حقیقتاً آنان که دنیا در برابر عظمت روحی و اخلاقی و سلوک خانوادگی و اجتماعی شان سر تسلیم فرود آورده است، چگونه خالق یکتای خویش را مناجات می کنند! درک این مطلب چیز کمی نیست و این کتاب واقعا خواندنی است!

رسیدم به قسمتی که مربوط بود به مسجد بُراثا.

... بدان که مسجد بُراثا از مساجد معروفه ی متبرکه است و واقع شده در بین بغداد و کاظمین، در راه زوّار و غالباً از فیض آن محروم و اعتنائی به آن ندارند، با همه فضایل و شرافتی که برای او نقل شده. حموی، که از مورّخین سنی ششصد است در مُعجم البُلدان گفته، بُراثا محلّه‌ای بود در طرف بغداد ... و برای آن، مسجدِ جامعی بوده که شیعیان در آن نماز می‌گزاردند و خراب شده ... که قبل از زمان راضی بالله خلیفه ی عباسی، شیعیان در آن مسجد جمع می‌گشتند و سبّ (و لعنِ منافقین از) صحابه می‌نمودند. ^۲(خلیفه) ... امر کرد که ناگهانی در آن مسجد ریختند و هر که را یافتند بگرفتند و حبس نمودند و مسجد را خراب کرد و با زمین هموار نمود. ^۳شیعیان این خبر را به امیرالامراء بغداد ... رسانیدند ... (و او) حکم کرد به اعاده ی بنا و وسعت و احکام آن و ... پیوسته آن مسجد معمور و محلّ اقامه ی نماز بود تا بعد از سنی چهارصد و پنجاه که معطل مانده تا الآن. ... بُراثا پیش از بنای بغداد قریه‌ای بوده ... مؤلف (مفاتیح) گوید که ما در کتاب هدیه الزّائرین

^۱ - Sm.Kheradmand@Gmail.Com

^۲ - عجب! یعنی محلی بوده که شیعیان در آنجا اجتماع می کردند و به صورت دسته جمعی بر دشمنان پیامبر و اهل بیت ایشان علیهم السلام، لعن می نمودند و از منافقان صدر اسلام بیزاری می جستند! مطلب تاریخی جالبی است!

^۳ - یعنی استدلالی برای قانع کردن فکری این جمع و بزرگانشان نبوده که پیروان مکتب خلفا، متوسل به زور و تخریب و حبس شده اند؟!

جمله‌ای از روایات که در فضیلت این مسجد شریف است ذکر کردیم و گفتیم که از مجموع این اخبار چند فضیلت برای این مسجد معلوم می‌شود که اگر هر کدام از آن در هر مسجدی باشد سزاوار است که انسان شدّ رحال نماید و طیّ منازل کند تا به فیض نماز و دعای در آن مستفیض و متبرّک شود، اول مقرر نمودن حق تعالی که در آن زمین فرود نیاید رئیسی با لشکرش جز پیغمبر یا وصی او. دیم آن که خانه ی حضرت مریم (سلام الله علیها، در آن مکان بوده) است، سیم آن که زمین حضرت عیسی علیه السلام است، چهارم بودن چشمه (ای) در آن جا که برای (حضرت) مریم ظاهر شده، پنجم ظاهر کردن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن چشمه را به اعجاز خود، ششم بودن سنگ سفید متبرّک که مریم حضرت عیسی را بر آن گذاشته در آن جا، هفتم بیرون آوردن حضرت (امیرالمؤمنین علیه السلام) آن سنگ را از آن جا به اعجاز و نصب نمودن آن را به سمت قبله و نماز کردن به سوی آن، هشتم نماز کردن حضرت امیرالمؤمنین و دو نوباوه ی او حضرت مجتبی و سید الشهداء علیهم السلام در آن جا، نهم توقف حضرت (امیرالمؤمنین علیه السلام) در آن جا چهار روز به جهت شرافت مکان و مقدّس بودن زمین آن، دهم نماز کردن پیغمبران، خصوص حضرت خلیل الرحمن علیه السلام در آن جا، یازدهم بودن قبر پیغمبری در آن جا و شاید آن پیغمبر حضرت یوشع (علی نبینا و آله و علیه السلام) باشد ... دوازدهم برگشتن آفتاب برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن جا، و با این شرافت و فضایل و بروز آیات الهیه و معجز حیدریّه در آن، معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی آن جا برود با آن که در سر راهشان است و مکرر از آن جا می‌گذرند و اگر اتفاقاً کسی بخواهد درک آن فیضها را نماید چون به آن جا رسد و ببیند در مسجد بسته است از دادن جزئی پولی به جهت باز کردن در آن مضایقه کند و خود را از این همه فیوضات عظیمه محروم نماید و حال آن که گاه شود برای محض تماشای بغداد و عمارات جبّارین در آن، م صرفها کند چه رسد به م صارف عظیمه ی قیمت فضول معاش و امتعه نحسه ی نجسه ی یهودیان آن، که گرفتن آن از متمّات^۴ زیارت غالب از زوّار است! واللّٰه المستعان.